



دانشکده حقوق و علوم اجتماعی

گروه حقوق

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی

عنوان:

اسراف در قتل

استاد راهنما:

دکتر حسن فرهودی‌نیا

استاد مشاور:

دکتر اسمعیل رحیمی‌نژاد

دانشجو:

کریم لطافتی

زمستان ۱۳۹۱

| | |
|---|------------------------------|
| نام خانوادگی: لطافتی | نام: کریم |
| عنوان پایان نامه: اسراف در قتل | |
| استاد راهنما: دکتر حسن فرهودی نیا | |
| استاد مشاور: دکتر اسمعیل رحیمی نژاد | |
| مدرک: کارشناسی ارشد | رشته: حقوق جزا و جرم شناسی |
| دانشگاه: تبریز | دانشکده: حقوق و علوم اجتماعی |
| تعداد صفحات: ۱۱۵ | |
| کلمات کلیدی: اسراف در قتل، قصاص، اعدام، فقه اسلامی، حقوق جزای ایران | |
| <p style="text-align: center;">چکیده</p> <p>اسراف در قتل مفهومی است بر گرفته از آیه ۳۳ سوره‌ی اسراء^۱، که در این آیه پس از بیان حرمت قتل و دادن حق تسلط به ولی دم نسبت به قاتل، ولی دم را مستقیماً مورد خطاب قرار داده و از زیاده روی در قتل منع می کند. منظور از اسراف در قتل؛ بیشتر در مواردی است که قتل به صورت شراکتی واقع شده و مرتکبین بیش از یک نفر باشند و این آیه، برخلاف قول مشهور و نیز ماده ۲۱۲ قانون مجازات اسلامی، به دلیل صراحتی که دارد، مانعی در جهت اجرای قصاص بر چند نفر می شود و روایات متعددی نیز همین امر را ثابت می کنند.</p> <p>دایره‌ی شمول منع اسراف در قتل را می توان با توجه به عبارت «قتل» در آیه، اعم از قصاص، اعدام و سایر قتل های مجازی دانست که در قوانین داخلی به تصویب رسیده اند و به دلیل افراطی که در اعمال این قبیل مجازات ها وجود دارد، قابل نقد بوده و در اکثر موارد مردود می باشند.</p> | |

^۱. «و لا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لوليه سلطانا فلا يسرف في القتل انه كان منصورا»

فهرست مطالب

مقدمه..... ۱

فصل اول: تعارض حکم ماده ۲۱۲ق.م.ا. با آیه «لا یسرف فی القتل»

کلیات..... ۹

۱. معنا و مفهوم شرکت در قتل..... ۱۱

۲. دیدگاه‌های مختلف در مورد جواز حکم ماده ۲۱۲ق.م.ا..... ۱۴

۲-۱. دلایل موافقین..... ۱۴

۲-۱-۱. روایات..... ۱۴

۲-۲. دلایل مخالفین..... ۱۸

۳. بررسی جواز قصاص جمع..... ۲۲

۳-۱. نا موجه بودن ایراد وارده بر احادیث عدم جواز قصاص جمع..... ۲۲

۳-۲. عدم صراحت آیات بر امکان قصاص جمع..... ۲۴

۳-۳. احتمال وجود تبانی و راهکار آن..... ۲۹

۳-۴. شمول قاعده درء در حکم عدم جواز..... ۳۱

۳-۵. امکان توقف قصاص در برخی موارد..... ۳۵

فصل دوم: بررسی قتل در فراش بر مبنای اسراف در قتل

- کلیات..... ۴۱
۱. پیشینه‌ی ماده ۶۳..... ۴۲
۲. دیدگاه‌های مختلف در مورد قتل در فراش ۴۳
- ۲-۱. موافقینِ جواز حکم ماده ۶۳۰..... ۴۳
- ۲-۱-۱. دیدگاه فقها ۴۳
- ۲-۱-۱-۱. جواز به طور اطلاق ۴۴
- ۲-۱-۱-۲. جواز به شرط وجود بینه ۴۵
- ۲-۱-۲. دیدگاه حقوق دانان ۴۷
- ۲-۱-۲-۱. نظریه‌ی تحریک ۴۷
- ۲-۱-۲-۲. نظریه دفاع مشروع ۴۹
- ۲-۲. مخالفین جواز حکم ماده ۶۳۰..... ۵۰
- ۲-۲-۱. نقد روایات مورد اشاره‌ی موافقین مبنی بر جواز قتل..... ۵۰
- ۲-۲-۲. رد استدلال‌ات قائلین به جواز..... ۵۲
۳. ماده ۶۳۰ نمونه بارز اسراف در قتل..... ۵۴

فصل سوم: اعدام در نظام کیفری ایران

| | |
|--|-----|
| کلیات..... | ۶۲ |
| ۱. بیان اجمالی دیدگاههای مختلف در مورد اعدام..... | ۶۵ |
| ۱-۱. استدلالات موافقین..... | ۶۵ |
| ۱-۲. استدلالات مخالفین..... | ۶۷ |
| ۲. جایگاه فعلی اعدام در نظامهای کیفری..... | ۶۸ |
| ۳. مجازات اعدام در قوانین داخلی..... | ۷۲ |
| ۳-۱. اعدام در قانون مبارزه با مواد مخدر..... | ۷۳ |
| ۳-۱-۱. ویژگی های اعدام در قانون مبارزه با مواد مخدر..... | ۷۳ |
| ۳-۱-۲. لزوم اصلاح محتوایی قانون مبارزه با مواد مخدر..... | ۸۰ |
| ۳-۲. بررسی جرم محاربه از منظر اعدام محارب..... | ۸۷ |
| ۳-۲-۱. مفهوم محاربه..... | ۸۷ |
| ۳-۲-۲. دایره شمول محاربه..... | ۹۳ |
| ۳-۲-۳. کیفر محارب..... | ۹۶ |
| نتیجه گیری و پیشنهاد..... | ۱۰۳ |
| منابع و مآخذ..... | ۱۰۹ |

مقدمه

آیه ۳۳ سوره‌ی اسراء می فرماید: « ولا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لوليه سلطانا فلا يسرف في القتل انه كان منصورا».

آیه‌ی مذکور اشاره به این دارد که، کسی را که خدا خونش را محترم شمرده است، تنها در صورتی که از لحاظ شرعی مستحق مرگ بوده و مهدور الدم تلقی شود، می توان به قتل رسانید. علاوه بر این؛ حتی در صورت مستحق قتل بودن، خداوند متعال صراحتاً می فرماید که نباید در قتل اسراف کرد. به عبارت دیگر هرچند در این آیه خداوند متعال برای ولی دم مقتول، نسبت به قاتل نوعی تسلط قرار داده است اما در کنار این حق اعطائی، وی را نیز مکلف کرده از هرگونه اسراف و زیاده روی در قتل خودداری کند.

«لا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ» یعنی فزون طلبی در قتل، ممنوع و به نظر می رسد با توجه به حکم صدر این آیه، ضمیر در «یسرف» راجع به «ولی» است، یعنی: ولی در مقام قصاص نباید زیاده‌روی و اسراف کند، به این معنی که غیر قاتل را نیز بکشد، یا جماعت و گروهی را در مقابل یک نفر بکشد و یا یک مرد را در مقابل یک زن و بدون حق بیشتر او بکشد و... (حلی (بی تا)، ج ۲، ۸۸۱)

عقیده‌ی بیشتر فقهای اهل تسنن این است که بر اساس این آیه، هرگاه چند نفر فردی را به قتل برسانند قصاص می شوند و بر این عقیده علاوه بر نص، استدلال می کنند به اینکه قصاص تشریع شده است برای نگهداری نفوس و اگر به هنگام شرکت چند نفر در قتل، قصاص نباشد، این امر وسیله‌ای برای ریختن خون خواهد بود.

عقیده‌ی اکثر فقهای امامیه نیز این است که نفس مقتول بر شرکای قتل توزیع می شود و بر هریک از شرکاء، قصاص واجب می شود. اگر همه بر دیه اتفاق کنند و ولی دم آن را بپذیرد، بر هریک به قدر نسبت او دیه تعلق می گیرد، اما اگر ولی دم قصاص را برگزیند، حق دارد همه یا بعضی را با پرداخت تفاضل دیه قصاص کند. این نظر مشهور فقهای امامیه است که عیناً در قوانین جزایی ایران آمده است.

در مقابل این نظریات مشهور، برخی فقها، خصوصاً فقهای معاصر، معتقدند که ولی دم حق قصاص بیش از یکی از قاتلین را ندارد. زیرا هرچند خداوند تسلط بر قاتل را به ولی دم داده است، اما صراحتاً می فرماید که نباید در قتل اسراف کرد و عبارت «لا يسرف في القتل» ظهور در نهی دارد. بنابراین هرگاه عده‌ای در قتل

یک نفر شرکت کنند، ولی دم، هرکدام از آنها را که بخواهد می تواند قصاص نماید، لکن نمی تواند بیش از یکی از آنها را قصاص کند. (خوئی، ۱۳۹۱، ج ۱، ۲۰۶)

بنابراین بر خلاف نظر مشهور فقها و نیز بر خلاف مواد مختلف قانون مجازات اسلامی، این عقیده وجود دارد که بر اساس آیه مبارکه «لا یسرف فی القتل» و نیز بر اساس قواعد متعددی چون «احتیاط در دماء»، قصاص بیش از یک نفر در مواردی که مقتول واحد است اما قاتلین متعدد، اسراف در قتل بوده و با توجه به نهی شارع، این عمل ممنوع می باشد و نباید بیش از یک نفر را قصاص کرد.

حتی در کنار استدلالات مخالفین نظر مشهور، می توان قائل به این بود که در کنار موانع عدیده‌ی قصاص، شرکت در قتل نیز مانع قصاص بیش از یک نفر می باشد و در این صورت چون نمی توان بر اساس تمایل اولیای دم یکی از شرکا را قاتل واقعی محسوب کرد و او را قصاص نمود، در نتیجه با توجه به احتمال ورود قاعده درء، شاید نظر سقوط قصاص و متعاقب آن، ثبوت حکم به پرداخت دیه، بتواند خود نمائی کند.

مطلب مذکور، مفهوم اصلی اسراف در قتل می باشد، اما اسرافی که مورد اشاره آیه ۳۳ سوره اسراء قرار گرفته است را می توان با توجه به اینکه عبارت قتل به طور مطلق آمده است شامل سایر مواردی که موجب سلب حیات می شود (اعم از قصاص، قتل و اعدام) دانست و بر این اساس، نهی مذکور در آیه «لایسرف فی القتل» را از زوایای دیگر نیز بررسی کرد. که مهمترین آنها عبارتند از:

۱- حکم ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی در مورد جواز قتل در فراش

ماده ۶۳۰ از جمله موادی است که همواره مورد توجه حقوقدانان و اهل فن قرار گرفته و از زوایای مختلفی از جمله ماهیت جواز حکم این ماده، سابقه‌ی تاریخی آن، دایره‌ی شمول جواز قتل و نیز مسئولیت های مرتکب آن بررسی شده است، اما بنظر می رسد بررسی این ماده بر اساس اسراف در قتل نتایج مفیدی در زمینه‌ی پذیرش یا عدم پذیرش صحت جواز حکم این ماده می تواند داشته باشد.

بر این اساس؛ هرچند طبق نظر مشهور فقها «هر کس زوجه‌ی خود را ببیند در حالی که با رضایت با فردی در حال زنا است، می تواند هر دو آنها را به قتل برساند» و این را مقنن عیناً در متن قانونی آورده است، اما

این نظر با ایرادات فراوانی مواجه شده است که در قبول صحت این ماده، خلل ایجاد می کند. از جمله ایرادات وارده این است که؛ اولاً زوج بایستی برای جرم مزبور (زنا) ادله‌ی اثباتی مقرر در قانون را داشته باشد (شهود به اندازه مورد نیاز). ثانیاً با فرض وجود شهود کافی هم جواز قتل قابل ایراد است. زیرا مجازات زنا به طور مطلق قتل نیست و چه بسا زانی یا زانیه و یا هر دو محصن نباشد، و بنابر این ایرادات، ماده مزبور و نظریه‌ی مشهوری که در این مورد وجود دارد را مورد انتقاد قرار می دهند.

به دلیل گستردگی ایرادات و انتقاداتی که نسبت به این ماده وارد شده است و با توجه به اینکه اثبات مردود بودن این ماده، نشانگر این خواهد بود که قتل‌های صورت گرفته توسط شوهر در راستای این ماده کاملاً غیر موجه است، بنابراین نوع بارزی از اسراف در قتل خواهد بود که مقنن به آن دامن زده است و سعی می شود در این پژوهش با بررسی کلیه جوانب این ماده، به این پرسش پاسخ دهیم که آیا این ماده کاملاً منطقی و عاقلانه به تصویب رسیده است و یا اینکه به دلیل تقلید صرف از نظر مشهور مردود بوده و موجب نوعی اسراف در قتل می باشد؟

۲- اعدام های متعدد موجود در قوانین کیفری ایران

اعدام شدیدترین نوع مجازات هاست. سعی جامعه‌ی جهانی بر این است که این مجازات از فهرست کیفرها حذف گردد و یا لاقلاً موارد اعمال آن کاهش یابد. در تمام ادوار تاریخ، بشر کوشیده است تا با ارزش ترین و اساسی ترین حق انسانها، که همان حق حیات باشد، آسیب نبیند و تحقق این آرزو با وجود کیفرهای اعدام در نظام های داخلی با مانع مواجه شده است. هرگاه با لحاظ رعایت نظم جامعه و امنیت شهروندان لغو کلی مجازات اعدام نتواند پاسخگوی نیازهای جامعه باشد باید تلاش کرد تا این کیفر به مهمترین جنایت ها تقلیل یابد.

علی رغم کوشش های سازمان های بین المللی و با وجود توصیه های مکرر نهاد های حقوق بشری و با وجود پیشرفت های حقوق جزا، در قوانین موضوعه ایران مجازات اعدام کاربرد فراوانی دارد. به جرأت می توان گفت که در میان عناوین مختلف کیفری موجود در نظام قضایی کنونی، برای بیش از ۸۵ مورد به طور صریح در قوانین داخلی مجازات اعدام پیش بینی شده است.

جدا از مجازات های سالب حیات مقرر در باب حدود و قصاص نفس، اکثر قوانین اشاره کننده به این کیفر در قلمرو جرایم تعزیری و بازدارنده قرار می گیرند که در آنها یا برای مرتکبین جرائم خاص، صراحتاً مجازات اعدام پیش بینی شده است یا با اطلاق عنوان محارب یا در حکم محارب، امکان اعدام آنها فراهم شده است.

به طور کلی قوانینی که در آنها به کیفر سلب حیات اشاره شده عبارتند از:

الف. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰

در قانون مجازات اسلامی بارها به مجازات اعدام (از باب قصاص، حد، تعزیر) اشاره شده است که برخی از آنها عبارتند از:

۱) ماده ۸۲، حد قتل برای زنا دارای شرایط خاص ۲) ماده ۸۳، حد رجم برای زنا دارای شرایط احسان
۳) ماده ۹۰، زنا در بار چهارم ۴) ماده ۱۱۰، حد لواط ۵) تبصره ماده ۱۲۱، حد تفخیز در شرایط خاص ۶)
ماده ۱۲۲، حد تفخیز در بار چهارم ۷) ماده ۱۳۱، حد مساحقه در بار چهارم ۸) ماده ۱۵۷، حد قذف در بار
چهارم ۹) ماده ۱۷۹، حد شرب خمر در بار سوم ۱۰) ماده ۱۹۰، حد محاربه ۱۱) ماده ۲۰۱، حد سرقت در
بار چهارم ۱۲) ماده ۲۰۵، قتل عمد ۱۳) ماده ۵۰۴، تحریک با قصد خاص ۱۴) ماده ۵۱۳، ساب النبی ۱۵)
ماده ۶۷۵، حرق با قصد خاص ۱۶) ماده ۶۸۷، خرابکاری در تأسیسات

ب. قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ با اصلاحیه های بعدی

این قانون به عنوان یک قانون اختصاص یافته به موردی خاص، بیشترین میزان مجازات اعدام را در بر گرفته است که عبارتند از:

۱) ماده ۲، کشت در بار چهارم ۲) ماده ۴، تولید و... بیش از ۵ کیلوگرم تریاک ۳) ماده ۵، نگهداری بیش از
۵ کیلوگرم تریاک و... ۴) ماده ۶، تکرار کردن اعمال بندهای ماده ۴ ۵) ماده ۸، بیش از ۳۰ گرم هروئین
۶) ماده ۹، تکرار جرایم مربوط به هروئین و... ۷) ماده ۱۱، قاچاق مسلحانه مواد مخدر ۸) ماده ۴۰، تولید
مواد خاص

ج. قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲

این قانون در مواد متعددی برای عمل ارتكابی مجازات اعدام پیش بینی نموده یا با اطلاق عنوان محارب و در حکم محارب امکان اعدام مرتکب را فراهم آورده است. این مواد عبارتند از:

مواد ۸، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۳۳، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۳، ۵۷، ۶۰، ۶۱، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۷۰، ۷۲، ۷۳ و ماده ۹۰.

د. قوانین متفرقه

در برخی قوانین متفرقه هم اشاراتی به مجازات اعدام شده است. از جمله:

۱- ماده ۱ قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح مصوب ۱۳۵۰

۲- ماده ۶ راجع به جلوگیری از احتکار مصوب ۱۳۲۰

۳- ماده ۱۸ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۴۳

۴- ماده ۱ قانون مجازات اخلاگران در تأسیسات آب و برق و گاز و مخابرات کشور مصوب ۱۳۵۱

۵- ماده ۱ قانون مجازات اخلاگران در صنایع مصوب ۱۳۵۳

۶- ماده ۱ قانون مجازات اخلاگران در صنایع نفت ایران مصوب ۱۳۳۶

۷- ماده واحده قانون مربوط به تشدید مجازات سرقت مسلحانه مصوب ۱۳۳۸

۸- ماده ۲ قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹

...و

همانطور که مشاهده می شود مواد بسیار زیادی در قوانین مختلف وجود دارد که برای عمل ارتكابی، مجازات اعدام مقرر کرده است. جالب توجه این است که در برخی از این مواد نیز چند فرض و چند عنصر مادی وجود دارد که تعداد عمل مجرمانه و به تبع آن تعداد مجازات های اعدام را افزایش می دهد (از جمله مواد

۵ و ۶ قانون مبارزه با مواد مخدر). علاوه بر این مفهوم محاربه و افساد فی الارض امروزه به قدری وسعت پیدا کرده است که قاضی کیفری می تواند هر جرمی را از مصادیق محاربه و یا افساد فی الارض تشخیص داده و متهم را به اعدام محکوم کند. مانند جرایم ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری که در هر موردی که به تشخیص قاضی این جرایم با تشکیل شبکه صورت گرفته باشد، می توان طبق ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری، مرتکبان را به کیفر اعدام محکوم کرد. (آخوندی، ۱۳۸۲، ج ۳۱۰، ۵)

با توجه به مطالب مورد اشاره، کیفر های سالب حیاتی که در سیستم کیفری ایران وجود دارد به شدت افراطی می باشد و به نظر می رسد می توان بر مبنای اسراف در قتل آنها را بررسی کرد تا معلوم شود که آیا وجود مجازات اعدام به این حد واقعاً با نهی خداوند در مورد منع اسراف در قتل هم خوانی دارد یا خیر؟

علاوه بر موارد مذکور، در فقه اسلامی و نیز قوانین کیفری مصادیق بسیار فراوانی وجود دارد که می توانند براساس آیه «لایسرف فی القتل» بررسی شوند. از جمله تبصره ۲ ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی در مورد شخصی که دیگری را به اعتقاد مهدورالدم بودن به قتل می رساند. براساس این تبصره، اینکه صرف اعتقاد داشتن به هدر بودن خون دیگری، بتواند مجوزی برای به قتل رساندن وی باشد، ظاهراً مخالف با نهی از اسراف در قتل می باشد.

جمله عدم قصاص مسلم در صورت قتل غیر مسلم که از مفهوم مواد ۲۰۷ به بعد قانون مجازات اسلامی به روشنی قابل درک است و وجود چنین امری می تواند موجب تجری وی برای ارتکاب دوباره قتل شود، نیز نمونه ای کاملاً آشکاری از اسراف در قتلی است که مقنن براساس برخی نظرات مشهور فقهی به تصویب رسانده است.

اما در هر حال در اینجا تنها به سه مبحث عمده از موارد متعدد اسراف در قتل که دایره شمول بیشتری نسبت به سایر موارد اسراف دارند اشاره می شود که به ترتیب عبارتند از:

- ۱- شرکت در قتل و حکم جواز قصاص تمامی شرکاء مطابق با ماده ۲۱۲
- ۲- جواز قتل در فراش (موضوع ماده ۶۳۰ ق.م.ا)
- ۳- اعدام های متعددی که در برخی از مواد قوانین مختلف داخلی ذکر شده است.

از این رو سعی خواهد شد هر یک از موضوعات فوق را در فصلی مستقل و با دقت، در حد امکان، بر اساس اسراف در قتل مورد بررسی قرار داده و به سوالات ذیل پاسخ مناسب داده شود.

۱- آیا با بررسی آیه‌ی «لا یسرف فی القتل» می‌توان مانعی در جهت ممانعت از قصاص کلیه شرکاء قتل ایجاد کرد؟

۲- آیا جواز قتل در فراش، کاملاً منطقی و براساس شرع مقدس می‌باشد؟ یا اینکه مخالف با آیه‌ی مربوط به نهی از اسراف در قتل بوده و قابل نقض است؟

۳- آیا مجازات‌های متعدد اعدام که در برخی مقررات و قوانین موضوعه مانند مواد مخدر مقرر شده اند از مصادیق اسراف در قتل به شمار نمی‌آیند؟

فصل اول:

تعارض حکم ماده ۲۱۲ ق.م.ا.ب.آی

«لایسرف فی القتل»

کلیات

از نظر حقوق کیفری، مسئولیت جزایی هر کس، زمانی مطرح می‌گردد که مرتکب جرمی شده باشد و در مورد قتل نیز که از موجبات ضمان می‌باشد، قاتل عمد به کسی اطلاق می‌گردد که با انجام کاری به قصد کشتن دیگری عملیات مادی قتل را به اتمام رسانیده و در عمل سبب قتل شود.

در بعضی موارد، در ارتکاب قتل ممکن است به جز مباشر اصلی قتل، افراد متعدد با یاری و کمک یکدیگر مرتکب قتل شوند. به نحوی که دو یا چند نفر با علم و اطلاع از قصد سوء یکدیگر در کشتن شخص معینی مداخله نمایند و قتل تنها بر اثر عمل یکی از آنها اتفاق بیفتد، اما قاتل در بین آنها معلوم نباشد. در این مداخله کنندگان در قتل متعدد می‌باشند و مقتول شخص واحدی است.

حالت دیگر زمانی است که عده‌ای با علم و اطلاع از قصد دیگری در کشتن شخص ثالث (و یا حتی بدون وجود این علم اما به قصد قتل)، در عملیات قتل به طور مستقیم شرکت کنند و قتل مستند به عمل همه‌ی آنها باشد، اعم از اینکه تأثیر و مداخله‌ی آنها در وقوع قتل کم باشد یا زیاد، که طبق نظر مشهور فقها و نیز مطابق با قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ تحت شمول حکم شرکت در قتل شناخته می‌شوند.

در اینجا سعی بر آن است که حکم حالت اخیر، یعنی موردی که چند نفر باهم در قتل یک شخص شرکت داشته و قتل مستند به عمل همه آنها باشد، از دیدگاه آیه‌ی شریفه‌ی «لا یسرف فی القتل» بررسی شود.

طبق نظر مشهور فقها: «در مواردی که دو یا چند نفر، فردی را به قتل برسانند اولیای دم بین سه چیز مخیر می‌باشند: اول اینکه همه‌ی قاتلین را قصاص کرده و مازاد دیه را (قبل از قصاص) به آنها بپردازند، دوم؛ یکی از قاتلان را انتخاب کرده و قصاص کنند و بقیه‌ی قاتلان، به نسبت سهم خود، دیه را به اولیای دم قاتل قصاص شده بپردازند، و سوم اینکه اگر اولیای دم رضایت به اخذ دیه کنند هر یک از قاتلان به نسبت سهم خود دیه را به اولیای دم می‌پردازند»^۲ (شیخ مرتضی، ۱۴۱۵، ۵۳۵)

^۲ اثنان أو ما زاد علیهما من العدد إذا قتلوا واحدا فإن أولیاء الدم مخیرون بین أمور ثلاثة: أحدهما: أن یقتلوا القاتلین کلهم و یؤدوا فضل ما بین دیاتهم و دیه المقتول إلى أولیاء المقتولین، و الأمر الثانی: أن یتخیروا واحدا منهم فیقتلوه و یؤدی المستبقون دیته إلى أولیاء صاحبهم بحساب أقساطهم من الدیه، و الثالث، إن اختار أولیاء المقتول أخذ الدیه کانت علی القاتلین بحسب عددهم.

در این راستا عقیده‌ی فقهای اهل سنت بر این است که اگر چند نفر در قتل یک شخص مشارکت داشته باشند قصاص خواهند شد، بدون اینکه مطابق با نظر مشهور فقهای شیعه به پرداخت تفاضل دیه از طرف اولیای دم قائل باشند.^۳

در هر حال نظر مشهور فقها، عیناً در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ منعکس شده و در ماده ۲۱۵ آمده است: « شرکت در قتل، زمانی تحقق پیدا می‌کند که کسی در اثر ضرب و جرح عده‌ای کشته شود و مرگ او مستند به عمل همه‌ی آن‌ها باشد، خواه عمل هر یک به تنهایی برای قتل کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آن‌ها مساوی باشد خواه متفاوت»

بنابراین شرکت در قتل در مفهوم حقوق کیفری ایران، شامل اعمال کلیه‌ی کسانی است که با علم و اطلاع از ماهیت عمل ارتكابی یکدیگر، جزئی از عملیات اجرائی قتل را با همکاری هم و به طور مستقیم مرتکب می‌شوند. صرف نظر از میزان تأثیر مداخله و عمل آنها در وقوع قتل، اعم از اینکه تأثیر دخالت هر یک از مشارکت کنندگان در وقوع قتل کم باشد یا زیاد یا مساوی، همه‌ی آنها با عنوان شریک در قتل مسئول و قابل مجازات خواهند بود و در حقیقت بدین معنی می‌باشد که هر یک از آنها قسمتی از عملیات مادی قتل را به انجام رسانیده و عملیات آنها روی هم موجب قتل شده است. بنابراین با تحقق شرکت در قتل، ولی دم می‌تواند در صورت عمد بودن عمل ارتكابی شرکت کنندگان، همه آنها را با پرداخت تفاضل دیه به مرتکبین، قصاص کند.^۴

با این وجود سوالی که به ذهن متبادر می‌شود این است که آیا قصاص چندین نفر در برابر مقتول واحد عادلانه است؟

آیا این بر خلاف نهی خداوند از اسراف در قتل نیست؟

آیا بر اساس مفهوم قصاص که در آن برابری و تماثل نهفته است می‌توان گفت که در موارد قصاص چند نفر در برابر فرد واحد این مفهوم نقض شده است؟

^۳ برای مطالعه تفصیلی رجوع کنید به: عوده، عبدالقادر، بررسی تطبیقی حقوق جزای اسلامی و قوانین عرفی، مترجم حسن فرهودی نیا، ج ۳، نشر

یادآوران، چ اول، ۱۳۹۰، ص ۴۹

^۴ ماده ۲۱۲

۱. معنا و مفهوم شرکت در قتل

بر اساس آنچه که در بیان حقوقدانان و علمای حقوق جزا در خصوص تبیین مفهوم شرکت در ارتکاب فعل مجرمانه آمده است، شرکت در جرم عبارت است از اینکه دو یا چند نفر با دخالت در عملیات اجرایی و مادی جرم، موجب تحقق پدیده‌ی مجرمانه در خارج شوند. در این زمینه یکی از حقوقدانان می نویسد: «شریک در جرم کسی است که با فرد یا افراد دیگری در انجام مادی عمل یا ترک عمل مشخصی که قانون آن را مستلزم مجازات (و یا حسب مورد اقدامات تأمینی) می داند با قصد مجرمانه و منجز و هماهنگ با همکاران خود دخالت می کند، به نحوی که بتوان او را شریک در مفهوم عرفی آن شناخت. هر شریک جرم در عین حال می تواند مباشر آن جرم نیز نامیده شود، اما نظر به اینکه چند نفر در ارتباط با یکدیگر جرم یا جرائمی را انجام داده اند، لذا اطلاق شرکای جرم بر کلیه آنها صحیح است» (نوربها، ۱۳۸۴، ۱۹۱)

چنانکه ملاحظه می شود اطلاق مذکور، در واقع با توجه به ماهیت عمل شراکت و مقایسه آن با ماهیت عمل ارتكابی توسط مباشر، صورت می پذیرد. لذا اگر مباشرت را عملی بدانیم که «مستقیماً توسط خود جانی واقع شده باشد»^۵ شراکت را نیز می توان انجام عملیاتی دانست که مستقیماً توسط خود جانین واقع می شود.

برخی دیگر نیز معتقدند که: «از مجموع مواد قانون مجازات اسلامی (مواد ۴۲، ۲۱۴ و ۲۱۵) می توان چنین دریافت که شرکت در جرم عبارت است از همکاری دست کم دو یا چند نفر در اجرای جرم خاص، به طوری که فعل هر یک سبب وقوع آن شود» (اردبیلی، ۱۳۸۴، ج ۲، ۲۸) به عقیده‌ی ایشان مشارکت وقتی تحقق پیدا می کند که در انجام عملیات اجرایی، افراد دخالت داشته باشند. بنابراین عملیات اجرایی، تشکیل دهنده هر جرم مشخص و معین است و افرادی که در انجام اینگونه عملیات همکاری داشته باشند، «شریک جرم» خواهند بود.

«فقهای اهل سنت در کتب فقهی خود موضوع شرکت در جرم را تعریف نکرده‌اند، بلکه به مناسبت‌های مختلف، به اشکال گوناگون اشتراک در جنایت اشاره داشته‌اند که البته نظرات ایشان نسبت به اشتراک در جرم با عقیده‌ی علمای امامیه متفاوت است. بطور کلی آنچه که از تعاریف ایشان بر می آید این است که، در لسان اهل سنت، شریک جرم به گونه‌ای تفسیر و تعریف می شود که شامل معاون جرم نیز می گردد. حتی

^۵ . ماده ۳۱۷ قانون مجازات اسلامی

کسی را که دیگری را به کشتن شخص ثالثی فرمان دهد (امر) جزو مشارکین در قتل محسوب داشته و هر دو را محکوم به قصاص می‌دانند، در حالی که از نظر فقه شیعه، اینگونه تفسیرها قابل قبول نمی باشد. همچنین به نظر اهل سنت، شریک مسببی، کسی است که با دیگری در ارتکاب فعلی اتفاق می‌کند یا دیگری را بر انجام فعلی بر می‌انگیزد یا بر فعل مجرمانه اعانه می‌نماید و در شرکت در جرم، همکاری یا تحریک یا اعانه بر جرم را با قصد مجرمانه شرط می‌دانند. بدین ترتیب شریک لزوماً در عملیات اجرایی جرم مداخله‌ای ندارد بلکه اعمال مقدمات آنرا انجام می‌دهد» (سوهانیان، ۱۳۷۶، ۸۴)

بنابراین مطابق با فقه اهل سنت، معاضدت و همیاری همیشه به صورت یکی از چهار حالت زیر خواهد بود: الف) متهم در ایجاد رکن مادی جرم با دیگری سهیم می‌شود ب) مشترکاً آن را به وجود می‌آورند ج) مجرم اصلی را تشویق می‌کند د) یا به طرق گوناگون و بدون آن که مباشر در انجام دادن بزه باشد، مجرم را یاری می‌دهد. در هر یک از حالت های فوق متهم شریک جرم به شمار می‌آید خواه در تحقق عنصر مادی جرم مباشرت کند یا خیر. (عوده، ۱۳۹۰، ج ۱، ۳۳۷)

لازم به ذکر است که عامه‌ی مردم برای شرکت در قتل مفهوم گسترده‌ای قائل هستند، به طوری که هرگونه مداخله‌ی مادی یا معنوی دو یا چند نفر را حتی در مرحله‌ی تهیه‌ی مقدمات قتل و بدون دخالت مستقیم در ایراد صدمات وارده به مقتول مشمول شرکت در قتل محسوب می‌نمایند؛ و کسی را که به همراه چند نفر دیگر در نقش فاعل معنوی و مرتکب فکری، دیگران را تحریک به قتل ثالثی می‌نماید، و همه کسانی را که در عملیات اجرایی قتل مداخله کرده و همچنین سایر افرادی را که وسایل ارتکاب قتل را به طور غیرمستقیم فراهم می‌نمایند، شریک در قتل می‌شناسند. بدیهی است مفهوم عرفی شرکت در قتل چون مفهوم واضح و روشنی نیست، نمی‌تواند معنای دقیق حقوقی شرکت در قتل محسوب گردد.

بدین لحاظ مفهوم شرکت در قتل از نظر قوانین جزایی با برداشت عامه‌ی مردم از این مفهوم متفاوت می‌باشد؛ زیرا حقوقدانان و اساتید حقوق کیفری برای تشخیص میزان مسئولیت کیفری مداخله‌کنندگان در قتل، بین اقدامات کسانی که به همراه دو یا چند نفر دیگر در تهیه‌ی مقدمات قتل شخص ثالثی و یا تسهیل زمینه‌ی وقوع قتل به طور غیرمستقیم و مساعدت در قتل نسبت به اقدامات سایر اشخاصی که به طور مستقیم عملیات اجرایی قتل را به انجام می‌رسانند، قائل به تفکیک شده‌اند. به طوری که بعضی از این

فعالیت‌های مجرمانه را زیر عنوان معاونت در قتل، و بعضی دیگر را تحت عنوان شرکت در قتل تقسیم‌بندی و مورد بحث و تحلیل قرار داده‌اند.

به‌طور خلاصه، شرکت در قتل در مفهوم حقوق کیفری آن، شامل اعمال کلیه کسانی است که با علم و اطلاع از ماهیت عمل ارتكابی یکدیگر، جزیی از عملیات اجرایی قتل را با همکاری هم به‌طور مستقیم مرتکب می‌شوند که صرفنظر از میزان مداخله و تأثیر عمل آنها در وقوع قتل، مسئول و قابل مجازات خواهند بود و در حقیقت، مثل این است که هریک از آنها قسمتی از عملیات مادی قتل را به انجام رسانیده و عملیات آنها روی هم موجب قتل شده است.

به علاوه، در مسئله‌ی تأثیر عمل شرکاء در قتل که حکم قصاص علیه شرکاء جاری می‌گردد، فتاوی‌ی مشاهیر فقها این است که میزان مداخله‌ی شرکاء در قتل شرط نیست؛ زیرا آنچه مهم می‌باشد این است که چند نفر در ایراد صدمه‌ی منتهی به مرگ شرکت کرده باشند و این موضوع را نویسنده‌ی شرایع الاسلام، بدین نحو بیان کرده است: «و لا يعتبر التساوی فی الجنایة بل لو جرحه واحد جرحا و الآخر مائة جرح ثم سری الجميع فالجنایة علیهما بالسویة و لو طلب الدیة کانت الدیة علیهما نصفین» (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ۱۸۷)

بنابراین؛ هرگاه دو نفر به قصد قتل، ضرباتی به شخصی وارد نمایند، اگر یک نفر از آنان صد ضربه و دیگری فقط یک ضربه بزند و این ضربات همان لحظه یا پس از عفونت و خونریزی شدید منجر به قتل آن شخص گردد، جنایت بالسویه محسوب شده و مسئولیت آن بر عهده هر دو نفر است؛ یعنی ولیّ دم می‌تواند با رد فاضل دیه، هر دو را قصاص کند و یا از هریک نصف دیه را بگیرد و نمی‌تواند از شخصی که صد ضربه زده سهم بیشتری مطالبه کند.

۲. دیدگاه های مختلف در مورد جواز حکم ماده ۲۱۲ ق.م.ا.

امکان قصاص تمام شرکای قتل دیدگاه مشهور در فقه امامیه می باشد که قانونگذار ما هم از فقه امامیه تبعیت کرده است. اما چنین عقیده‌ای حامیان و مخالفان مختلفی دارد که در ذیل به بیان استدلالات هر دو گروه می پردازیم.

۲-۱. دلایل موافقین

طبق ماده ۲۱۲ قانون مجازات اسلامی همه‌ی شرکاء در قتل را، هر چند بسیار باشند، می توان قصاص نمود. مثلاً اگر یکصد نفر یا هزار نفر و یا بیشتر یک نفر را به قتل رسانند! جایز است همه‌ی آنها را قصاص کرد و این حکم بر مبنای روایات متعددی است که در این باره مورد استناد قرار گرفته است. از روایات خاصه‌ای که در مورد این مسأله وارد شده‌اند، در مجموع، سه روایت دلالت دارند بر جواز قصاص مشترکین در قتل، و بدین شرح می باشند:

۱-۱-۲. روایات

الف) فضیل بن یسار می گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم ده تن در قتل مردی شرکت کردند چه حکمی دارد؟ فرمود: اگر اولیاء مقتول بخواهند می توانند هر ده تن را قصاص کنند و دیه‌ی نه تن را به ورثه‌ی آنان بدهند، و میتوانند یکی را از میان آن ده تن انتخاب کرده او را قصاص کنند و آن نه نفر دیگر هر کدام یکدهم دیه‌ی کامل را به ورثه‌ی آنکه قصاص شده بپردازند، آنگاه والی آنان را به زندان تأدیبی اندازد. (شیخ صدوق، ۱۴۰۹، ج ۵، ۴۹۰)

ب) در روایت عبد الله بن مسکان از امام صادق (ع) آمده است؛ دو مرد یک نفر را به قتل می‌رسانند راوی می‌پرسد حکم آن چیست؟ آن حضرت فرمود: «اگر اولیاء مقتول می‌خواهند هر دو نفر را قصاص کنند یک دیه‌ی کامل می‌پردازند، (به هر کدام نصف دیه) و هر دو را قصاص می‌کنند و دیه بین اولیاء دو نفری که قصاص می‌شوند، تقسیم می‌گردد و اگر بخواهند یک نفر را از آنان به قتل رسانند او را به قتل می‌رسانند و

کسی که قصاص نشده است، نصف دیه (به اندازه جنایتی که مرتکب شده است) را به کسان و بستگان قصاص شونده می‌پردازد.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ۲۸۳)

ج) صحیح‌های داود بن سرحان از امام صادق (ع). داود بن سرحان از امام صادق (ع) در مورد دو مردی که یک نفر را به قتل رسانده بودند روایت می‌کند که حضرت فرمودند: اگر اولیای مقتول بخواهند با پرداخت دیه هر دو را قصاص کنند. (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ۱۱۱)

این روایت همانند روایت عبد الله بن مسکان می‌باشد. این روایات سه‌گانه دلالت دارند که اولیاء دم می‌توانند بیش از یک نفر را قصاص کنند و اختصاص به دو نفر و یا ده نفر ندارد و مستند فقهی اصحاب، رضوان الله تعالی علیهم همین روایات می‌باشند. (مرعی شوشتری، ۱۳۸۴، ج ۱، ۱۲۹)

بر طبق این روایات که در منابع متعددی ذکر شده است، در موارد شرکت در قتل، اولیای دم این اختیار را دارند که تمامی شرکای قتل را با پرداخت تفاضل دیه قصاص نمایند و بر این اساس قائلین به جواز قصاص، گفته خود را توجیه می‌کنند. در ذیل به برخی از نظرات ایشان اشاره می‌کنیم:

۱) از نظر شیخ مرتضی آنچه که دلالت بر صحت امکان قصاص بیش از یک نفر دارد، اجماع فقها است. علاوه بر این، نزدیک تر به عدالت نیز می‌باشد. و دلیل اشبه بودن به عدالت این است که طبق نظر اهل سنت نمی‌توان نفس چند نفر را که مرتکب قتل شخصی شده اند بخاطر یک نفس گرفت! (بدون پرداخت تفاضل) بنابراین نظر مشهور فقهای امامیه مبنی بر رجوع به تفاضل دیه، عادلانه می‌باشد. (شیخ مرتضی، پیشین، ۵۳۵)

۲) صاحب جواهر پس از بیان حکم مشابه با ماده ۲۱۲، مبنی بر امکان قصاص جماعتی در برابر یک نفر با رد تفاضل، با ادعای اجماع فقها بر این نظر، می‌فرماید که نظر مخالفی در مورد این مسأله نمی‌بینم بلکه اجماع، از دو نوعش (محصل و منقول) در این مسأله وجود دارد. علاوه بر این ایشان ایراد می‌کنند که اگر در مواردی که شرکت در قتل محقق شده است، قصاص بیش از یک نفر را جایز ندانیم این امر موجب خواهد

^۶ و الذی یدل علی صحه ما ذهبنا الیه: إجماع الطائفة، و لأن ما ذکرناه أشبه بالعدل، لأن الجماعة إنما أتلقت نفساً واحدة، فكيف تؤخذ النفوس الكثيرة بالنفس الواحدة؟ و إذا اتبعنا فی قتل الجميع بالواحد الروایات «۱» المتظاهرة الواردة بذلك، فلا بد فیما ذكرته الإمامیه من الرجوع بالبدیه